

عبرت‌آموزی و نقش آن در اخلاق و تربیت اسلامی از دیدگاه امام علی (ع)

اکرم احمدیان احمدآبادی*

محمد اخوان**

چکیده

از مهم‌ترین روش‌های تربیت اسلامی که در قرآن، سنت، و سیره امامان معصوم علیهم‌السلام، از جمله امیرالمؤمنین علی (ع)، به آن توجه و تأکید شده «عبرت‌آموزی» است. خداوند در قرآن کریم در آیات گوناگون یکی از مهم‌ترین منابع و عوامل هدایت انسان را عبرت از گذشته و گذشتگان معرفی می‌کند و با الفاظ و عبارات گوناگون مردم را به دقت و تأمل در زندگی و سرگذشت خوبان و بدان فرا می‌خواند و به انسان‌ها سفارش می‌کند که به سیر و تفکر در آیات آفاقی و انفسی بپردازند و عاقبت محسنین و مفسدین را بنگرند. بنابراین با توجه به اهمیت این موضوع، این مقاله بر آن است که به بیان نقش عبرت‌آموزی در حوزه اخلاق و تربیت اسلامی با استفاده از منابع معتبر، به‌ویژه از نگاه امام علی (ع) با توجه به سخنان گهربار و نصایح ارزش‌مندشان در کتب گوناگون، خصوصاً نهج‌البلاغه، بپردازد.

کلیدواژه‌ها: عبرت، تاریخ، امام علی (ع)، نهج‌البلاغه، اخلاق و تربیت اسلامی.

۱. مقدمه

«عبرت‌آموزی» از روش‌های تربیتی است که در اسلام بسیار به آن توجه و سفارش شده

* کارشناس ارشد معارف نهج‌البلاغه، دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول) ak.ahmadian@yahoo.com

** استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه کاشان akhavan.mohammad89@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۳/۱۶

است، زیرا باعث برکات و ثمرات ارزنده‌ای در زندگی می‌شود. بهره‌وری هرچه بیش‌تر از امکانات و استعدادهای انسانی و استفاده بهینه از سرمایه عمر و نیل به سعادت‌مندی مستلزم عبرت‌آموزی است. امام علی علیه‌السلام با توصیه به تفکر و تأمل در تاریخ و پند از حوادث آن، همه را به عبرت‌آموزی از سرانجام نیک و بد گذشتگان دعوت می‌کند. چراکه حوادث تاریخی مشابه‌اند و بی توجهی به آن‌ها و بهره‌نبردن از تجربه‌های ارزشمند پیشینیان خسران و تباهی به بار خواهد آورد. بنابراین، بیان تاریخ و حوادث تلخ و شیرین آن روشی مطلوب برای عبرت‌آموزی از زندگی دنیایی و غافل‌نگشتن از سرای اخروی است. پس به منظور استفاده بهینه از سرمایه گران‌بهای عمر و جلوگیری از اتلاف امکانات و استعدادهای انسانی، لازم است به واسطه پندپذیری و عبرت‌آموزی از وقایع و سرگذشت پیشینیان، در جهت رشد و تعالی زندگی فردی و اجتماعی گام برداریم، زیرا چه بسا وقوع دوباره حادثه‌ای تاریخی، ضررهای جبران‌ناپذیری را به دنبال داشته باشد. بدین سبب مسائل اساسی مورد نظر در این پژوهش عبارت‌اند از: ۱. مفهوم عبرت‌پذیری از نگاه امام علی (ع) چیست؟ ۲. اهمیت عبرت‌پذیری در زندگی تا چه حدی است؟ و نیز فرضیه‌های مورد نظر، چنین می‌باشد: ۱. از نگاه امام علی (ع) عبرت‌پذیری، تفکر عمیق در گذشته و بهره‌گیری درست از آن برای زمان حال است؛ ۲. عبرت‌پذیری حقایق زندگی گذشتگان را به صورت تجربه‌های مفید در اختیار انسان می‌گذارد و به استفاده بهینه از سرمایه عمر منجر می‌شود. لازم به ذکر است که روش تحقیق بر اساس منابع کتابخانه‌ای و از نوع توصیفی و تحلیلی است.

۲. عبرت چیست؟

«عبرت» واژه‌ای عربی از ماده «ع - ب - ر» و بر وزن فَعْلَه، مصدر نوعی است و حکایت از نوع خاصی از عبور دارد. اهل لغت عبرت را به معنای پند و اندرز گرفتن معنا کرده‌اند، زیرا در پند و اندرز انسان از نقل یک سخن و یا جریان تاریخی به معنای ماورای آن منتقل می‌شود و بر اثر آن حالتی خاضعانه و خاشعانه در برابر حق برای او پدید می‌آید.

ابن منظور می‌گوید: عبرة: موعظه است که انسان به واسطه آن پند گیرد و به آن عمل کند (ابن منظور، ۱۴۱۸: ۲۷۸۳).

راغب عبرت را چنین معنا کرده است:

عبرت و اعتبار: حالتی است که در آن معرفت ظاهری و محسوس، سبب درک معرفت

باطنی و غیر محسوس می‌گردد. به عبارتی دیگر، انسان از امور مشهود به امور نامشهود منتقل می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۳۲۰).

طریحی در مجمع البحرین از این معنا فراتر رفته، به نتایج عبرت‌پذیری، یعنی وجوب ترک دنیا، توجه به حق تعالی، و عمل به آخرت اشاره می‌کند. او این چنین می‌گوید:

عبرت اسم از اعتبار و به معنای پند است و افاده می‌کند توجه فکر را به سوی حق، به واسطه ترک دنیا و عمل برای آخرت و از 'عبور' مشتق شده است. برای این‌که در آن انسان از امری به امر دیگر منتقل می‌گردد (طریحی، ۱۳۶۷: ۱۱۱/۳).

علمای دیگر درباره اصطلاح عبرت چنین می‌گویند: «عبرة: ما یعبر به من الجهل إلى العلم؛ عبرت: آنچه به واسطه آن از جهل بگذرند و به علم رسند» (حسنی، ۱۳۸۱: ۳۲۷؛ میدی، ۱۳۷۱: ۳۲/۲). مقصود از عبرت آن است که انسان آنچه نیست و ندیده است با دیده و دانسته خود سنجد و بشناسد (عاملی، ۱۳۶۰: ۲۲۸/۵). عبرت عبارت است از آموزش و پرورش اصول و قوانین جاریه در هستی و در انسان و به کار بستن صحیح آن‌ها (جعفری، ۱۳۷۵: ۱۵۲/۲۱). عبرت گرفتن یعنی از صفات بد به صفات خوب عبور کردن. اگر کسی حوادث روزگار را ببیند و از صفت بد به صفت خوب عبور نکند، نمی‌گویند او عبرت گرفت، می‌گویند تماشا کرد. ولی اگر از صفت بد و زشتی به نیکی عبور کند، می‌گویند: اعتبار و عبرت گرفت (جوادی آملی، ۱۳۶۸: ۱۳۲). بنابراین، عبرت یعنی انسان از شناخت و معرفت ظاهری درباره مسئله‌ای به شناخت و معرفت عمیقی برسد و درواقع امور محسوس ما را به امور نامحسوس آگاه و آشنا سازد و از این طریق باطن و حقیقت کارها برای انسان روشن می‌شود، به طوری که به ظواهر بسنده نمی‌کند و با بینش و بصیرت کافی در شرایط مختلف به وظایف خود عمل می‌کند.

۳. سیمای تاریخ در مکتب علوی

تاریخ از دیدگاه امام علی (ع) ارزش و اهمیت خاصی دارد. آن حضرت تاریخ را منبعی سرشار از تجارب ارزشمند می‌داند و راه اصلی دستیابی به این تجربه‌ها را تعقل و تفکر در تاریخ بیان می‌فرماید.

«تدبروا أحوال الماضین من المؤمنین قبلکم: در احوالات مؤمنان پیشین اندیشه کنید» (نهج البلاغه، ۱۳۸۶: خطبه ۱۹۲، فراز ۸۳).

امام (ع) مطالعه و دقت در آثار و بقایای پیشینیان را موجب عبرت‌آموزی می‌داند و این چیزی است که حکمت الهی آن را اقتضا نموده است. «و خَلَّفَ لَكُمْ عِبراً مِنْ آثَارِ الْمَاضِينَ قَبْلَكُمْ: و [خداوند] از آثار گذشتگان عبرت‌های پندآموز برای شما ذخیره کرد» (همان: خطبه ۸۳، فراز ۲۶).

همچنین امام علی (ع) می‌فرماید: «العقل عقلان، عقل الطبع و عقل التجربة و كلاهما يؤدي إلى المنفعة» (مجلسی، ۱۳۶۳: ۶/۸): دو نوع عقل وجود دارد، عقل طبیعی (که با رشد سلول‌های مغزی به کمال می‌رسد) و عقل تجربی (عقل برگرفته از تجربه‌ها) و توجه به هر دو نهایتاً به نفع آدمی است.

عقل تجربی همان عبرت‌آموزی از تاریخ است که بخشی از حیات معقول انسان را تشکیل می‌دهد.

عبرت‌آموزی و پندگیری از تاریخ که در متون مذهبی و نوشته‌های علمای اخلاق مورد تأکید قرار گرفته است، گویای این واقعیت است که انسان باید چشم و گوش خود را باز کند و از تلخی‌ها و شیرینی‌ها، غم‌ها و شادی‌ها، و پستی‌ها و بلندی‌های تاریخ گذشتگان و به طور کلی از آنچه بر پیشینیان رفته است، آگاهی یابد و از آن‌ها عبرت گیرد و پند بیاموزد. عبرت‌آموزی از تاریخ یعنی این که انسان وقایع تاریخی را بسنجد و با دقت و تدبیر، ضوابط و معیارهای کلی را از بطن تاریخ بیرون بکشد و از آن‌ها در تنظیم امور زندگی خود استفاده کند (جعفری، ۱۳۷۲: ۲۱). تقریباً ثلث قرآن را نقل قصص و تاریخ اقوام و ملل گذشته تشکیل می‌دهد و به مردم دستور می‌دهد که در زمین سیر کنند و آینه تاریخ ملل و اقوام پیشین را بنگرند و نیز روی همین اصل آموزندگی است که امام علی (ع) در موارد گوناگون در سخنان خود به سرنوشت گذشتگان و عواملی که موجب عزت و ذلت آن‌ها شده است، اشاره می‌فرماید (قربانی، ۱۳۷۴: ۱۹۸).

فإذا تفكرتم في تفاوت حالهم فالزموا كل أمر لزمتم العزة به شأنهم و زاحث الأعداء له عنهم و مدّت العافية به عليهم و انقادت النعمة له معهم و وصلت الكرامة عليه حبلمهم: پس آن‌گاه که در زندگی گذشتگان مطالعه و اندیشه می‌کنید، عهده‌دار چیزی باشید که عامل عزت آنان بود و دشمنان را از سر راهشان برداشت و سلامت و عافیت زندگی آنان را فراهم کرد و نعمت‌های فراوان را در اختیارشان گذاشت و کرامت و شخصیت به آنان بخشید (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: خطبه ۱۹۲، فراز ۸۰).

امام (ع) دلیل خود را از این سخن این‌گونه بیان می‌دارد: «فما أشد اعتدال الأحوال و

أقرب اشتباه الأمثال: راستی چقدر حالات ملت‌ها با هم یک‌سان و در صفات و رفتارشان با یک‌دیگر همانند است» (همان: خطبه ۱۹۲، فراز ۹۳).

بنابراین، به دلیل مشابهت حوادث تاریخی با یک‌دیگر، اگر جامعه‌ای بخواهد رشد یابد، باید تجارب امت‌های گذشته را، که به قیمت گزاف حاصل شده است، چراغ راه گرداند. سخنان امام (ع) در این باب فراوان است.

«و اتَّعظُوا بَمَن كَانَ قَبْلَكُمْ قَبْلَ أَنْ يَتَّعِظَ بَكُم مِّنْ بَعْدِكُمْ: و از پیشینیان خود پند گیرید، پیش از آن که آیندگان از شما پند گیرند» (همان: خطبه ۳۲، فراز ۱۰).

بنابراین، از وظایف مهم ماست که با مطالعه تاریخ و عبرت از آن، برنامه‌هایی را در نظر گیریم تا جامعه را به عزت و سربلندی برساند؛ چراکه «إِنَّمَا يَنْظُرُ الْمُؤْمِنُ إِلَى الدُّنْيَا بِعَيْنِ الْإِعْتِبَارِ: مؤمن با چشم عبرت به دنیا می‌نگرد» (همان: حکمت ۳۶۷، فراز ۴).

۴. عبرت از نگاه امام علی (ع)

«فاتعظوا عباد الله بالعبر النّوافع و اعتبروا بالآی السّواطع: ای بندگان خدا از عبرت‌های سودمند پند پذیرید و از آیات روشن‌گر عبرت آموزید» (همان: خطبه ۸۵، فراز ۳).

طبق معنای عبرت که عبور از امور مشهود به وجوه نامشهود است، روش عبرت‌آموزی روشی آیه‌ای است، یعنی پدیده‌ها را «آیت» دیدن و از سطح درگذشتن و به اعماق دست‌یافتن. ویژگی آیت‌ها این است که نمودی رمزگونه دارند و هر رمزی به چیزی بیش از ظاهر خود دلالت دارد و آن راز رمز است. از این‌رو، عبرت مستلزم داشتن چشمی بینا، عقلی با تدبیر، و دلی بیدار است. عبرت هم در پهنه آیات قدرت الهی در هستی راه دارد، که ضمن آن رموز نهفته پدیده‌های هستی گشوده می‌شود و هم در عرصه خطاهای خاطیان و آثار به‌جامانده از آنان. در عبرت‌آموزی از خطاکاران، غالباً علم تازه‌ای به دست نمی‌آید. رازی که در این‌گونه عبرت‌آموزی گشوده می‌شود، بیش‌تر از مقوله «ذکر» است و مقصود دیدن مصادیق هزارچهره خطاهای معین و معلوم است. کم‌تر می‌توان راه خطایی را یافت که تازگی داشته باشد و پیش‌تر کسی آن را نیپیموده باشد. روش عبرت‌آموزی مانع از آن می‌شود که فرد برای کناره‌گرفتن از هر خطایی خود به ازای آن مجازات ببندد. این بهای گزافی است در گنجینه تاریخ، چنان‌که در اطراف ما فراوانند کسانی که هریک بار خطایی را به دوش کشیده‌اند و می‌کشند تا ما چنین باری را به دوش نگیریم (باقری، ۱۳۷۶: ۱۴۹-۱۵۰).

طرح مسائل تاریخی در سخنان امام علی (ع)، فقط به دلیل کسب تجربه‌های تربیتی، اخلاقی، و اجتماعی است که جنبه عبرت‌آموزی دارند، آن هم با برداشت‌های سازنده و لطیفی که مخصوص بیان شیوا و آسمانی امیرالمؤمنین (ع) است. «ما أكثر العبر و أقل الاعتبار: عبرت‌ها چقدر فراوانند و عبرت‌پذیران تا چه اندازه اندک» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: حکمت ۲۹۷).

ابن ابی‌الحدید شارح نهج‌البلاغه در ذیل این حکمت می‌نویسد:

این کلام مختصری است که دارای فواید بسیاری است و شکی نیست که حقیقتاً عبرت‌ها بسیارند و بلکه در هر چیزی عبرتی وجود دارد و شکی نیست که عبرت‌گیرها اندک‌اند. چراکه مردم تحت غلبه جهل، هوی، هوس و حب دنیا و شهوات آن می‌باشند و همانا در اصل، یقین آن‌ها ضعیف است و اگر این چنین نبود، احوال‌شان غیر از این می‌بود (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۷: ۱۹/۲۰۳).

همچنین اگر فرد بخواهد پویا و پایدار باشد، باید در زمان مناسب، و به بیان امام (ع) در ایام خوش جوانی‌اش، از گذشتگان تجربیاتی کسب کند و فرصت‌ها را غنیمت شمارد، وگرنه در زمان پیری و زوال قدرت، پندگیری چه سود؟

«لم يمهّدوا في سلامة الأبدان و لم يعتبروا في أنف الأوان: آن‌ها در روز سلامت چیزی برای خود ذخیره نکردند و در روزگاران خوش جوانی عبرت نگرفتند» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: خطبه ۸۳، فراز ۲۷).

۵. منابع عبرت

منابع عبرت و آیات روشن برای پندپذیری در اطراف ما بسیار فراوانند، که در این جا فقط به ذکر تعدادی از مصادیق بارز آن اشاره می‌شود.

۱.۵ تاریخ: منبع عظیم عبرت

«إنّ لكم في القرون السالفة لعبرة: برای شما در تاریخ گذشته درس‌های عبرت فراوان وجود دارد» (همان: خطبه ۱۸۲، فراز ۲۰).

به یقین مطالعه و دقت در آثار و اخبار گذشتگان، یکی از بهترین راه‌های پند و عبرت گرفتن است. مطالعه و دانستن جزئیات تاریخ، اثر زیادی در روح انسان دارد. نتیجه اولیه

آن این است که آدمی ماهیت زندگی دنیا را بهتر می‌شناسد و پی می‌برد که این خوشی‌ها و ناخوشی‌ها و قوت‌ها و نیروها و سلطنت‌ها و حکومت‌ها و کاخ‌ها، همگی زایل و ویران شده‌اند و صاحبان آن‌ها مرده‌اند و ما نیز، بدون استثنا، به این نقطه خواهیم رسید و روزی از این دنیا رخت برمی‌بندیم و در یک کلام درمی‌یابیم که دنیا محل گذر است، نه جایگاه اقامت (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۷۳/۱). همچنین از اصول عبرت‌پذیری این است که باید به منابع جامع و مطمئن رجوع شود و قرآن جامع‌ترین منبع تاریخی است. امام جامعیت قرآن را این‌گونه بیان می‌دارد: «و فی القرآن نبأ ما قبلکم و خبر ما بعدکم و حکم ما بینکم: و در قرآن اخبار گذشتگان و آیندگان و احکام مورد نیاز زندگی‌تان وجود دارد» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: حکمت ۳۱۳).

قرآن کریم، به‌اعتباری، کتاب عبرت‌هاست. «تدبروا آیات القرآن و اعتبروا به فإنه أبلغ العبر: در آیه‌های قرآن بیندیشید و به وسیله آن‌ها پند گیرید زیرا آیات قرآن رساترین عبرت‌هاست» (آمدی، ۱۳۶۶: ۱۱۱).

در قرآن روش عبرت‌آموزی فراوان به‌کار گرفته شده است. قرآن در این مورد زبان قصه را مورد استفاده قرار داده است تا بر نفوذ و جاذبه آن بیفزاید. اما چون مقصود قرآن از قصه‌گویی، موعظه و عبرت‌آموزی است، از داستان سرایی چشم پوشیده و هرگز به بیان همهٔ امور ریز و درشت قصه توجهی نکرده است. «أفقص القصص لعلمهم يتفكرون: این داستان‌ها را [برای آن‌ها] بازگو کن شاید بیندیشند» (اعراف: ۱۷۶).

به همین منظور امام علی (ع) داستان حضرت آدم (ع) در قرآن را عبرتی برای انسان‌ها می‌داند.

قال أمير المؤمنين عليه السلام لأصحابه: فما ضرب الله تعالى مثل آدم في أنه عصي بأكل حبة إلّا عبرة لكم و تذكرة و لقد كان أمير المؤمنين عليه السلام يقول في تسبيحه: سبحان من جعل خطيئة آدم عبرة لأولاده (ديلمی، ۱۴۱۲: ۱/۱۰۸).

امیرالمؤمنین علیه‌السلام به یارانش فرمود: خدا داستان نافرمانی آدم را در خوردن دانه‌ای مثال نزده است مگر برای بیداری شما و همانا امیرالمؤمنین علیه‌السلام چنین بود که در تسبیحش می‌فرمود: منزّه است خدایی که خطای آدم را، برای فرزندانش، پند و اندرز قرار داد.

همچنین یکی دیگر از منابع مهم تاریخی عبرت دین اسلام است. اسلام شکوه عبرت ادیان تاریخ و قوی‌ترین و باشکوه‌ترین دین تاریخ است. دینی کامل که تفکر در آن مایهٔ عبرت است و آدمی را به حقانیت آن رهنمون می‌شود.

«الإسلام ... عبرة لمن اتَّعظ: اسلام عبرتی است برای کسانی که پندپذیرند» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: خطبه ۱۰۶، فراز ۲). یعنی اگر کسی در خود اسلام تأمل و تفکر بنماید، قدرت و توانایی و علو و قدر و بلندی مقامش را دریابد، که چگونه در ابتدا با قلت پیروانش بر قوی‌شوکتان غالب آمد و همانا حقانیت اسلام برایش ثابت و گرویده به اسلام گردد و اگر مسلمان باشد، ایمانش قوی‌تر شود (مدرس وحید، ۱۳۵۹: ۷/ ۱۳۰).

۲.۵ دنیا: سرای عبرت

«إن الدنيا دار فناء و عناء و غیر و عبر: همانا دنیا خانه نابودشدن، رنج بردن از دگرگونی‌ها، و عبرت‌گرفتن است» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: خطبه ۱۱۴، فراز ۸).

از شیوه‌های عبرت‌آموزی توصیف دنیا و بیان ویژگی‌ها و سنت‌های رایج آن است.

و وظَّفَ لكم مددا فی قرار خبرة و دار عبرة أنتم مختبرون فیها و محاسبون علیها: و چند روزی جهت آزمایش و عبرت برای شما مقرر داشته که در این دنیا آزمایش می‌گردید و برابر اعمال خود محاسبه می‌شوید (همان: خطبه ۸۳، فراز ۵).

دنیا، از نظر اسلام، مدرسه انسان و محل تربیت انسان و جایگاه تکامل اوست (مطهری، ۱۳۸۹: ۲۵۹)؛ زیرا توجه به دنیا و ویژگی‌هایش، سنن آن، و قوانین حاکم بر آن، پندها و درس‌های فراوانی به انسان می‌دهد که می‌تواند در بهبود رفتار و شیوه زندگی بسیار مؤثر واقع شود و با بهره‌گیری از پندها و عبرت‌های دنیا می‌توانیم آینده روشنی را پیش رو داشته باشیم. (علی (ع)، به روشنی، نشانه عبرت‌آموز بودن دنیا را چنین بیان می‌فرماید:

و من غیرها آنک تری المرحوم مغبوطا و المغبوط مرحوما لیس ذلک إلا نعیماً زلّ و بؤسا نزل و من عبرها أن المرء یشرف علی أمله فیقتطعه حضور أجله فلا أمل یدرک و لا مؤمل یترک: و نشانه عبرت‌آموز بودن دنیا آن‌که، آدمی پس از تلاش و انتظار تا می‌رود به آرزوهایش برسد، ناگهان مرگ او فرا رسیده، امیدش را قطع می‌کند، نه به آرزو رسیده و نه آن‌چه را آرزو داشته باقی می‌ماند (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: خطبه ۱۱۴، فراز ۱۰).

۳.۵ تجربیات زندگی

«التجربة تنمر الاعتبار: تجربه عبرت‌آموزی به بار می‌آورد» (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۴۴).

تجربه‌های مفید زندگی به آسانی و ارزانی حاصل نمی‌شود و تکرار تجربه‌های تلخ قبلی خود و دیگران کاری است نابخردانه؛ زیرا «إِنَّمَا الْعَاقِلُ مَنْ وَعَظْتَهُ التَّجَارِبُ: عاقل کسی است که از تجربه‌ها پند گیرد» (همان).

بر طبق سخنان امام علی (ع) تجربه‌های زندگی می‌توانند به منزله یکی از منابع مهم عبرت، مورد توجه قرار گیرند.

فی دُونِ مَا اسْتَقْبَلْتُمْ مِنْ عَذَابٍ وَ مَا اسْتَدْبَرْتُمْ مِنْ خُطْبٍ مُعْتَبَرٍ وَ مَا كُلُّ ذِي قَلْبٍ بَلِيبٍ وَ لَا كُلُّ ذِي سَمْعٍ بِسَمِيعٍ وَ لَا كُلُّ نَاطِرٍ بِبَصِيرٍ: در سختی‌هایی که با آن روبه‌رو هستید و مشکلاتی که پشت سر گذاریدید، درس‌های عبرت فراوان وجود دارد. نه هر که صاحب قلبی است خردمند است و نه هر دارنده گوش شنواست و نه هر دارنده چشمی بیناست (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: خطبه ۸۸، فراز ۱).

۴.۵ مرگ

«فاعتبروا بنزولکم منازل من کان قبلکم: از فرود آمدن در خانه‌های گذشتگان عبرت گیرید» (همان: خطبه ۱۱۷، فراز ۱).

یکی از علل اصلی غفلت، فراموشی یاد مرگ است. اگر انسان همواره مرگ خود را پیش رو ببیند، عامل بازدارنده مؤثری در برخورد با محرمات و مانع سرمستی در شهوات خواهد بود. به همین منظور، مرگ یکی دیگر از منابع مهم عبرت‌آموزی است. در این باره، پیامبر (ص) فرمود: «زوروا موتاکم و صلوا علیهم و سلموا علیهم فَإِنَّ لَکُمْ فِیْهِمْ عِبْرَةً: اموات را زیارت کنید و بر آن‌ها درود و سلام بفرستید که برای شما پند و اندرزند» (ابن ابی الفراس، بی تا: ۱/ ۲۸۸).

امام علی (ع) عبرت‌آموزی خود را از مرگ این گونه بیان می‌دارد:

وَاللّٰهُ لَا اُكُوْنَ كَمَسْتَمِعِ اللَّذْمِ یَسْمَعُ النَّاعِی وَ یَحْضُرُ الْبَاكِی ثُمَّ لَا یَعْتَبِرُ: سوگند به خدا من آن کس نیستم که صدای گریه و بر سر و سینه زدن برای مرده و ندای فرشته مرگ را بشنود و عبرت نگیرد (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: خطبه ۱۴۸، فراز ۴).

۵.۵ شگفتی‌های آفرینش

جهان خلقت و شگفتی‌های آن هر کدام به‌نوعی عبرت‌هایی دارند و دیده عبرت‌بین می‌خواهد که به‌خوبی از هر پدیده پند گیرد و هشدارها را دریابد. عبرت‌بودن آیات الهی از

آن جهت است که چگونگی خلقت آن‌ها موجب تفکر انسان درباره خالق هستی می‌شود و او را به عظمت و قدرت خالق جهان رهنمون می‌گردد.

فسبحان من أَمْسَكهَا بعد موجان میاهها و أجمدها بعد رطوبة أكنافها فجعلها لخلقها مهادا ... إنَّ في ذلك لَعبرة لمن يَخْشَى: پس پاک و منزه است خدایی که زمین را در میان آن همه از امواج ناآرام نگه داشت و پس از رطوبت آن را خشک ساخت و آن را جایگاه زندگی مخلوقات خود گردانید ... توجه به این شگفتی‌ها درس عبرتی است برای کسی که بترسد (همان: خطبه ۲۱۱، فراز ۶).

بنابراین، عوامل عبرت و آیات و علائم روشن در این دنیا به حدی وفور دارد که جای عذر برای کسی نمی‌ماند. سرپوش گذاشتن بر همه این آیات و علائم روشن و نادیده‌گرفتن آن همه عوامل سودمند عبرت، هیچ علتی جز این نمی‌تواند داشته باشد که آدمی خود حقیقی‌اش را گم کرده است و با خود مجازیش‌اش زندگی می‌کند. این است علت اساسی همه مستی‌ها و ناهشیاری‌ها و پوشاندن حقایق (جعفری، ۱۳۷۵: ۱۳/۲۲۳-۲۲۴).

۶. ابزارهای عبرت‌پذیری

عبرت‌پذیری روشی تربیتی است و نیاز به ابزارهایی دارد. که با توجه به سخنان امام علی (ع) این ابزارها عبارت‌اند از: عقلی با تدبیر، چشمی بینا، گوشی شنوا، زبانی گویا، و دلی پاک و فراگیر.

فيالها أمثالا صائبة و مواظ شافية لو صادفت قلوبا زاكية و أسماعا واعية و آراء عازمة و ألبابا حازمة: وه! چه مثال‌های بجا و پندهای رسایی وجود دارد، اگر در دل‌های پاک بنشیند و در گوش‌های شنوا جای گیرد و با اندیشه‌های مصمم و عقل‌های با تدبیر برخورد کند (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: خطبه ۸۳، فراز ۱۹).

ثم منحه قلبا حافظا و لسانا لافظا و بصرا لاحظا ليفهم معتبرا و يقصر مزدجرا: سپس او را دلی فراگیر و زبانی گویا و چشمی بینا عطا فرمود تا عبرت‌ها را درک کند و از پیدی‌ها بپرهیزد (همان: خطبه ۸۳، فراز ۴۶).

همچنین، امام سجاد (ع) عبرت‌آموزی را حق چشم و چشم را درب ورودی عبرت بیان فرموده است:

أما حق بصرک ففضّه عمّا لا يحلّ لک و ترک ابتذاله إلّا لموضع عبرة تستقبل بها بصرا أو تستفيد بها علما فإن البصر باب الاعتبار: حق چشم تو این است که آن را از هر ناروا و

حرامی فرو بندی و آن را جز در موارد عبرت‌انگیزی که در پرتوی آن بینش یا دانشی می‌یابی به کار مگیری و فرسوده‌اش مسازی، زیرا چشم درب ورودی عبرت است (ابن شعبه حرّانی، ۱۴۰۴: ۲۵۷).

۷. عوامل تحقق پذیرش عبرت

تربیت، مهم‌ترین مقوله انسانی که همه سامان‌ها و نابسامانی‌ها، صلاح‌ها و فسادها، و سعادت‌ها و شقاوت‌ها به‌نوعی به آن باز می‌گردد، نیازمند توجه و اهتمامی جدی است. این مقوله، بدون فراهم کردن زمینه‌های لازم در جهت درست، معنا نمی‌یابد. انسان موجودی مستعد است و همه والایی‌ها یا تباهی‌ها و در کل همه تغییرات به نوع تربیت او بستگی دارد. بنابراین، پرداختن به آنچه زمینه‌های تربیت نیک را دشوار می‌سازد و نیز آنچه زمینه‌های تربیت را در جهت مطلوب فراهم می‌آورد، از عمده‌ترین مباحث تربیتی است، و اساساً زمینه تربیت با رفع موانع و ایجاد مقتضیات آماده می‌شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۳۳). بنابراین، لازم است که برای رشد در زمینه تربیتی عبرت‌آموزی به عوامل تحقق و موانع پذیرش آن پرداخته شود.

۱.۷ تفکر

«کل يوم يفيدك عبدا إن أصحابه فکرا: در هر روز عبرت‌هایی به تو سود رساند، چنان‌چه تفکر کنی» (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۷۲).

یکی از عوامل تحقق عبرت‌پذیری تفکر است. تربیت صحیح در پرتو اندیشه سالم شکل می‌گیرد و تفکر منشأ عبرت و مبدأ بصیرت است و به‌واسطه آن گوش هوش شنوا و دیده عبرت‌بین بینا می‌شود. بنابراین، تفکر نقش بسزایی در تعالی زندگی بشریت دارد و در هیچ دینی چون اسلام و در هیچ کتاب آسمانی چون قرآن به تفکر و تعقل توصیه نشده است. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «إنَّ التَّفْکَرَ یَدْعُو إِلَى الْبِرِّ وَالْعَمَلِ بِهِ: تفکر انسان را به نیکی و انجام آن می‌کشاند» (کلینی، ۱۳۶۲: ۵۵ / ۲).

چون انسان موجودی متفکر است، یعنی با اندیشه کار می‌کند و اگر سود یا زیانی می‌بیند از راه افکار و اندیشه‌اش بهره‌مند یا متضرر می‌شود، لذا وحی آسمانی، که برای هدایت انسان آمد، می‌کوشد که از راه فکر، منافع مادی و معنوی او را به او تفهیم کند و همچنین امور زیان‌بار به حال وی را هم برای او تشریح کند تا هرچه را در سعادت او نقش

دارد، از راه فکر به او بفهماند و از راه دل در او شوقی ایجاد کند که با فکر بفهمد و با دل به آن گرایش پیدا کند. زیرا مهم‌ترین هدف نزول وحی الهی تربیت انسان است و تربیت انسان هم جز از راه فکر میسر نمی‌شود (جوادی آملی، ۱۳۶۵: ۴/ ۹۵-۹۶).
به تعبیر علامه طباطبایی (رحمة الله علیه):

بی‌تردید، زندگی انسانی یک زندگی فکری بوده و جز با درک، که فکر می‌نامیم، به پا نمی‌ایستد و از لوازم بنای زندگی بر فکر این است که فکر هرچه صحیح‌تر و تمام‌تر باشد، زندگی بهتر و محکم‌تر خواهد بود. بنابراین، زندگی باارزش، به هر سنت و آیینی پای‌بند باشیم و در هر راه رفته‌شده و یا ابتدایی که قدم برداریم، مربوط به فکر باارزش بوده و مبتنی به آن است و به هر اندازه که فکر مستقیم باشد، زندگی هم ارزش و استقامت خواهد داشت (طباطبایی، ۱۳۹۷: ۵/ ۲۷۳).

«من قوی عقله أكثر الاعتبار: هر که عقلش قوی باشد، عبرت‌گرفتیش بسیار است» (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۷۱). بنابراین، تفکر وسیله خوبی برای رسیدن به کمال است. عقل را قوی می‌کند و زمینه پذیرش و استدلال را فراهم می‌آورد و راه استفاده از منطق را برای کشف و پذیرش حقایق ارائه می‌دهد. همچنین تفکر سرچشمه بصیرت و عبرت است، «تفکرک یفیدک الاستبصار و یکسبک الاعتبار: تفکر بصیرت و کسب عبرت را به تو می‌بخشد» (آمدی، ۱۳۶۶: ۵۷)، تفکر موجب بصیرت می‌شود و آدمی جز به تفکر به بینایی و راهیابی دست نمی‌یابد و جز به اندیشه صحیح به معرفت نخواهد رسید. چراکه امام علی (ع) فرمود: «الفكرة مرآة صافية: فکر آینه‌ای صاف است» (مفید، ۱۴۱۳: ۳۳۶).
بنابراین، به واسطه این آینه صاف می‌توان به همه زشتی‌ها و ناپاکی‌ها پی برد و چنانچه انسان اهل تفکر باشد در هر مسئله‌ای برای او عبرتی است. به همین منظور امام (ع) فرمود: «من کانت له فكرة فله فی کل شیء عبرة: کسی که اهل تفکر باشد، در هر چیزی برای او، عبرتی است» (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۷۱) و شاعر سرود:

إذا المرء کانت له فكرة ففی کل شیء له عبرة

(ابن ابی الفراس، بی‌تا: ۱/ ۲۵۰)

همچنین از امام صادق (ع) روایت شده است که:

کان أكثر عبادة أبی ذرّ رحمة الله علیه خصلتين التفكير والاعتبار: بیش‌ترین عبادت ابوذر رحمة الله علیه تفکر و کسب عبرت بود (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۱/ ۴۲؛ مجلسی، ۱۳۶۳: ۷۱/ ۳۲۳).

بنابراین، زمینه رشد و تعالی آدمی جز به تفکر صحیح فراهم نمی‌شود، زیرا به تفکر است که نیک و بد امور دریافت می‌شود و اصلاح زندگی این جهان و سعادت اخروی سامان می‌یابد و همچنین «المؤمن ... مغمور بفکرته: مؤمن فرورفته در اندیشه است» (نهج البلاغه، ۱۳۸۶: حکمت ۳۳۳، فراز ۳).

از دیدگاه امام علی (ع) انسان باایمان و تربیت‌شده، انسانی است با عقل احیا شده و عقلانی، عقلی که انسان را به عاقبت نیک و سعادت واصل می‌کند. پس هیچ چیز در تربیت جایگزین تفکر نیست و اندیشیدن بهترین زمینه تربیت آدمیان است.

۲.۷ الگو

یکی دیگر از عوامل تحقق عبرت‌پذیری الگوداشتن است. داشتن الگوی صحیح در زندگی رابطه‌ای مستقیم با عبرت‌پذیری دارد، زیرا انسان در مواجهه با حوادث و فتنه‌های روزگار، می‌تواند بر اساس ملاک‌های الگورفتار کند و از فرورفتن در شبهات نجات یابد. به عبارت دیگر، تحت تأثیر الگوی سالم، انسان بینشی حکیمانه می‌یابد و پندپذیری و عبرت‌آموزی‌اش از حوادث افزایش می‌یابد. از دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران روش الگویی مؤثرترین و مهم‌ترین روش تربیت است. چنان‌که گفته‌اند:

عملی‌ترین و پیروزمندانه‌ترین وسیله تربیت، تربیت‌کردن با یک نمونه عملی و سرمشق زنده است. سرمشق و الگو به مردم عرضه می‌شود تا مردم، همانند صفاتش را در خود تحقق بخشند و به رنگ آن نمونه واقعی درآیند، هرکس به اندازه ظرفیت و استعدادش از آن شعله فروزان پرتوی بگیرد و تا آن‌جا که توانایی دارد، برای رسیدن به قله کمال از کوه دانش و فضیلت بالا رود. این‌ها از این جهت است که اسلام سرمشق‌دادن را بزرگ‌ترین وسیله تربیت می‌داند و پایه روش تربیتی خود را بیش از هرچیز بر این سنگ استوار می‌سازد (قطب، ۱۳۵۳: ۲۵۱-۲۵۲).

اگر در تربیت و پرورش انسان‌ها الگوها به کار گرفته نشوند و انسان در زندگی ظاهری، عقلی، و ایمانی خویش ملاک‌ها و میزان‌های انسانی نداشته باشد، گرفتار سردرگمی عجیب و احیاناً خودبینی و بلندپروازی خطرناک خواهد شد و از پرواز به سوی قله‌های رفیع علم و ایمان محروم خواهد ماند (واتقی، بی تا: ۵۶).

از آنجایی که اسلام به نقش مهم و سازنده الگوها در تربیت افراد واقف است، به افراد برجسته‌ای که موقعیت اجتماعی خاصی دارند و می‌توانند برای سایر افراد الگو و

سرمشق باشند، سفارش می‌کند که ابتدا رفتار و سیره خود را اصلاح کنند، سپس منصب پیشوایی را بپذیرند.

امام علی (ع) می‌فرماید: «من نصب نفسه للناس إماماً فليبدأ بتعليم نفسه قبل تعليم غيره: کسی که خود را رهبر مردم قرار داد، پیش از آن‌که به تعلیم دیگران بپردازد، باید خود را تربیت کند» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: حکمت ۷۳). ایشان در بیان علت این امر می‌فرماید: «الناس بأمرائهم أشبه منهم بأبائهم: مردم به حاکمان خود شبیه‌ترند تا به پدران خود» (ابن شعبه حرّانی، ۱۴۰۴: ۲۰۸).

هرچه قدرت نفوذ الگوها بیش‌تر باشد، هم‌سانی کامل‌تری رخ خواهد داد. بنابراین، شناخت الگوهای کامل و آشنایی با وجوه گوناگون زندگی آنان، به‌منظور پیروی و تطبیق سیرت آنان با مصادیق مورد نیاز، امری ضروری در تربیت است.

تربیت انسان‌ها از طریق الگوها یکی از نتایج دعوت و حرکت انبیاست. چون انبیا انسان‌های کامل و وارسته‌ای بودند، الگوی بسیاری از انسان‌ها قرار می‌گرفتند و نه‌فقط در گذشته بلکه اکنون نیز انبیا در جایگاه الگویی تمام‌عیار می‌توانند مقتدای انسان‌های در حال رشد قرار گیرند (نصری، ۱۳۶۵: ۳۵۶). از دیدگاه امام علی (ع) سرحلقه خردمندان گل همیشه شکفته بوستان آفرینش، ختم‌الرسال، حضرت محمد مصطفی (ص)، برترین الگو برای همه انسان‌های وارسته بوده است و خواهد بود. امام (ع) کسانی را که در زندگی از پیامبرشان الگو می‌پذیرند، بهترین بندگان خدا معرفی می‌کند.

فتأُسُ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَإِنَّ فِيهِ أَسْوَدَ لَمَن تَأَسَّى وَ عَزَاءَ لِمَن تَعَزَّى وَ أَحَبَّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمُتَأَسِّي بِنَبِيِّهِ وَ الْمُقْتَصِّ لِأَثَرِهِ: پس به پیامبر پاکیزه و پاکت [محمد] صلی الله علیه اقتدا کن که راه و رسم او الگویی است برای الگوظلّبان و مایه فخر و بزرگی است برای کسی که خواهان بزرگواری باشد و محبوب‌ترین بنده نزد خدا کسی است که از پیامبرش پیروی کند و گام بر جایگاه قدم او نهد (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: خطبه ۱۶۰، فراز ۲۳).

۳.۷ موعظه

بر اثر موعظه فطرت انسانی آدمی بیدار و زنگار غفلت از دلش زدوده می‌شود و نهایتاً به آگاهی و درس‌پذیری از حوادث روزگار منجر می‌شود.

موعظه کلامی است که به دل نرمی و رقت می‌بخشد، قساوت را از دل پاک می‌کند، خشم و شهوت را فرو می‌نشاند، هواهای نفسانی را تسکین می‌دهد، و به دل صفا و جلا می‌دهد. موعظه واقعی که در دل اثر کند، جز از طریق دین ممکن نیست. موعظه‌های دین

است که می‌تواند در دل‌ها اثر بگذارد و باعث خشوع شود. هیچ‌کس از موعظه بی‌نیاز نیست و هیچ جامعه‌ای نیست که به موعظه احتیاج نداشته باشد. ممکن است فردی از تعلیم شخص دیگر بی‌نیاز باشد، اما از موعظه او بی‌نیاز نیست. امام علی (ع) به یکی از یارانش می‌فرمود: «عظنی» (مرا موعظه کن) و می‌فرمود: «در شنیدن اثری هست که در دانستن نیست» (مطهری، ۱۳۶۶: ۲۲۴).

امام علی (ع) می‌فرماید: «أحی قلبک بالموعظة: دلت را با اندرز [نیکو] زنده کن» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۳۱، فراز ۹).

حکمت بزرگ تربیت در اندرزها نهفته است و نصیحت و پند از تدابیر مثبت و ارزنده تربیتی و حتی از روش‌های دعوت اسلامی است. اسلام در ساختن جامعه اسلامی از این روش بسیار سود جسته است، از جمله در سورة لقمان و در دیگر سوری که در آن‌ها بحث از سازندگی و اصلاح است، از سوی پیامبران، بزرگان، و حکما به این امر بسیار تأکید شده است. اصولاً وعظها و خطابه‌ها در افراد از آن جهت مؤثر است که همراه با پند و اندرز و توأم با خیرخواهی است. با موعظه انسان‌ها ساخته می‌شوند و به گوش جان آن را پذیرا می‌شوند (قائمی، ۱۳۶۸: ۲۲۸). موعظه غالباً خطاب‌ی القا می‌شود و از براهین عقلیه استفاده نمی‌شود، اما اثر آن بیش‌تر از استدلال‌های عقلی است. موعظه فطرت انسان را بیدار می‌کند و در دل می‌نشیند و بیش‌تر از دلیل و برهان و امر و نهی تأثیر دارد. پندپذیری استعدادی است که در جان انسان نهاده شده و برای قبول تربیت آماده‌اش ساخته است. پند و نصیحت نیازی طبیعی است (امینی، ۱۳۷۴: ۱۲۶). بنابراین، باید همواره افراد متقی انسان‌ها را به‌واسطه موعظه به خداوند متوجه سازند که بر اثر آن فطرت‌ها احیا و نفوس تهذیب گردند و مسئولیت‌های خطیر انسانی یادآوری شوند. در اهمیت موعظه همین اندازه بس، که امام علی علیه‌السلام فرمود: «إذا أحب الله عبدا وعظه بالعبر: هنگامی که خداوند بنده‌ای را دوست بدارد، او را به‌واسطه عبرت‌ها پند دهد» (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۷۱).

همچنین برای تأثیرگذاری هرچه بیش‌تر موعظه باید موعظه در عمل تجسم یابد. به همین دلیل امام (ع) می‌فرماید:

لا تکن ممن ... یصف العبرة و لا یعتبر و یبالغ فی الموعظة و لا یتعظ: از کسانی مباش که ... عبرت‌آموزی را طرح می‌کنند، اما خود عبرت نمی‌گیرند و در پنددادن مبالغه می‌کنند، اما خود پندپذیر نیستند (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: حکمت ۱۵۰، فراز ۷).

ابن میثم شارح نهج‌البلاغه در ذیل این حکمت آورده است:

واعظی که به موعظه خود عمل نکند، سبب خشم خدا می‌گردد. به دلیل آیه 'کبر مقتا عند الله أن تقولوا ما لا تفعلون: نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که عمل نمی‌کنید' (صف: ۳) (بحرانی، ۱۳۶۲: ۵/ ۳۳۰).

تجارب نشان داده است که هرچه فرد پرهیزگارتر و به امری عالم‌تر و موعظه‌اش در رفتار و گفتارش هویدا باشد، اثر پندش بیش‌تر خواهد بود. به عبارت دیگر، اگر شخص اثر موعظه را در واعظ نبیند، موعظه مفید نخواهد بود و حتی می‌تواند مضر باشد. به همین سبب امام علی (ع) کسانی را که به موعظه خود عمل نمی‌کنند، لعن و نفرین کرده است. «لعن الله الامرین بالمعروف التارکین له و الناهین عن المنکر العالمین به: نفرین بر آنان که امر به معروف می‌کنند و خود ترک می‌نمایند و نهی از منکر دارند و خود مرتکب آن می‌شوند» (نهج‌البلاغه، ۱۲۸۶: خطبه ۱۲۹، فراز ۸)، اما اگر واعظ خود نمونه عملی موعظه‌اش باشد، آن موعظه اثر رسایی در نفس می‌گذارد و از بزرگ‌ترین انگیزه‌های تربیتی جان می‌شود.

۸. موانع پذیرش عبرت

در هر روش تربیتی موانعی وجود دارد که شناسایی این موانع و اجتناب از ایجاد آنها کمک می‌کند تا نتیجه تربیت بسیار مؤثر باشد. موانع عبرت‌آموزی فراوان است. به طور کلی، هر صفت رذیله باعث سپردن دل به وسوسه‌های شیطانی و لذا مانع و حجابی برای پندپذیری و عبرت‌آموزی می‌شود. امام علی (ع) دو نمونه از موانع عبرت‌پذیری را چنین بیان می‌فرماید:

۱۸ غرور و خودخواهی

«بینکم و بین الموعظة حجاب من الغرة: میان شما و پندپذیری پرده‌ای از غرور و خودخواهی وجود دارد» (همان: حکمت ۲۸۲). عبرت از دیگران و پرهیز از فریب غرور یکی از شرایط زیستن با حیات معقول است (جعفری، ۱۳۷۵: ۱۳/ ۲۹۴).

۲۸ عشق‌های ناروا

عشق‌های ناروا از مظاهر دنیاپرستی است، که عقل را از مسیر خود خارج می‌کند و مانع پذیرش پند و عبرت می‌شود.

من عشق شیئا ... لا ینزجر من الله بذاجر ولا یتعظ منه بواعظ: هرکس به چیزی عشق ناراوا ورزد ... هرچه هشدارش دهند از خدا نمی ترسد و از هیچ پنددهنده‌ای شنوایی ندارد (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: خطبه ۱۰۹، فراز ۱۴).

۹. بهره‌های اخلاقی - تربیتی عبرت

عبرت‌آموزی از وقایع و حوادث روزگار برکات فراوانی را برای انسان به ارمغان خواهد آورد و به همین دلیل در قرآن و نهج‌البلاغه و روایات به این امر تأکید فراوان شده است. امام علی (ع) می‌فرماید:

فکل نظر لیس فیہ اعتبار فهو سهو، فطوبی لمن کان نظره عبدا: هر نگاهی که عبرتی در آن نباشد، سهو [خطا و فراموشی] است؛ پس خوشا به حال کسی که نگاهش عبرت است (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۴ / ۴۰۵).

۱.۹ بصیرت

امام علی (ع) در این باره می‌فرماید:

«رحم الله امرأ تفکر فاعتبر و اعتبر فأبصر: خدا بیامرزد کسی را که به‌درستی فکر کند، پس عبرت گیرد و عبرت بگیرد، پس بصیرت یابد» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: خطبه ۱۰۳، فراز ۳) و «من اعتبر أبصر و من أبصر فهم و من فهم علم: کسی که عبرت آموزد، بصیرت یابد و آن‌که بصیرت یابد، می‌فهمد و آن‌که بفهمد، دانش آموخته است» (همان: حکمت ۲۰۸).

از این دو سخن امام نتیجه می‌گیریم که تفکر زمینه‌ساز عبرت و عبرت زمینه‌ساز بصیرت است و از طرفی دیگر می‌توان نتیجه گرفت که تفکر زمینه‌ساز بصیرت است.

فإنما البصیر من سمع فتفکر و نظر فأبصر و انتفع بالعبر: انسان بینا کسی است که به‌درستی شنید و اندیشه کرد، پس به‌درستی نگریست و آگاه شد و از عبرت‌ها پند گرفت (همان: خطبه ۱۵۳، فراز ۳).

بصیرت یعنی بینایی چشم دل، بینش حکیمانه در زندگی، و هوشمندانه عمل کردن. انسان بصیر سطحی‌نگر نیست، بلکه با دقت و تأمل در عمق مسائل تفکر می‌کند، به همین دلیل به‌آسانی می‌تواند از باطل به حق عبور کند.

فمن تبصّر فی الفطنة تبینت له الحکمة و من تبینت له الحکمة عرف العبرة و من عرف العبرة فکانما کان فی الأولین: پس آن کس که هوشمندانه به واقعیت‌ها نگریست،

حکمت را آشکارا ببیند و آن‌که حکمت را آشکارا دید، عبرت‌آموزی را شناسد و آن‌که عبرت‌آموزی را شناخت، گویا چنان است که با گذشتگان می‌زیسته است (همان: حکمت ۳۱، فراز ۳).

انسان بصیر عبرت را می‌شناسد و از تجربه‌های تلخ و شیرین گذشتگان عبرت می‌گیرد و به سود زندگی خود بهره می‌برد. به طوری که از تکرار تجارب تلخ آنان که به بهای سنگینی حاصل شده است، خودداری می‌کند و از تجارب شیرین‌شان برای پیشرفت هرچه بیش‌تر زندگی خود بهره می‌برد. چنان‌که گویا با آنان در فراز و نشیب‌های زندگی‌شان همراه بوده است. پس کسانی می‌توانند فتنه‌ها را بشناسند و یا در فتنه‌ها خود را به‌درستی حفظ کنند و از دام آن‌ها برهند که دیده‌ای بصیر و نافذ داشته باشند و آن‌که به عبرت تربیت یابد از چنین بینشی بهره‌مند می‌شود و عبرت‌گیری جز برای اینان حاصل نشود.

امام صادق (ع) فرمود: «لا یصح الاعتبار إلا لأهل الصفا والبصيرة: عبرت‌گیری جز برای اهل صفا و بصیرت حاصل نشود» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۵/ ۲۷۴). بنابراین می‌توان گفت، مهم‌ترین رهاورد عبرت‌آموزی و درس از حوادث روزگار، رسیدن به بصیرت و معرفت است که همین امر چراغ راه زندگی انسان و مشخص‌کننده راه از چاه می‌شود و درنهایت انسان را به سعادت رهنمون می‌کند.

۲.۹ مصونیت از خطا

«الاعتبار یثمر العصمة: عبرت‌گرفتن مصونیت از خطا را به بار می‌آورد» (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۷۲). در جریان عبرت، انسان با سرنوشت‌ها و عواقب گوناگونی آشنا می‌شود، مسائل را ارزیابی می‌کند و با توجه به تجارب جدیدی که آموخته است و با اطمینان و چشمانی باز، راه بهتر را برمی‌گزیند و به همین علت است که خطاهایش کم‌تر می‌شود.

إنَّ من صرَّحت له العبر عما بین یدیه من المثلثات حِزته التقوی عن تقحُّم الشبهات: کسی که عبرت‌ها برای او آشکار شود و از عذاب آن پند گیرد، تقوا و خویش‌داری او را از سقوط در شبهات نکه می‌دارد (نهج/البلاغه، ۱۳۸۶: خطبه ۱۶، فراز ۱).

عبرت‌آموزی معرفت بیش‌تر را به‌همراه دارد و تقوا در فضای معرفت پدیدار می‌شود که باعث صیانت و پاس‌داری از شرف و کرامت انسانی خواهد بود. به عبارتی دیگر، بر اثر عبرت‌آموزی شبهات و ابهامات جای خود را به واقعیات می‌سپارند.

۳.۹ آیین زندگی

يا بَنِي اِنِّى قَدْ اُنْبِأْتُكَ عَنِ الدُّنْيَا وَحَالِهَا وَزَوَالِهَا وَانتِقَالَهَا وَ اُنْبِأْتُكَ عَنِ الْآخِرَةِ وَ مَا اَعَدَّ لِأَهْلِهَا فِيهَا وَ ضَرَبْتُ لَكَ فِيهِمَا الْأَمْثَالَ لَتَعْتَبِرَ بِهَا وَ تَحْذُو عَلَيْهَا: ای پسر من تو را از دنیا و تحولات گوناگونش و نابودی و دست به دست گردیدنش آگاه کردم و از آخرت و آنچه برای انسان‌ها در آن‌جا فراهم است، اطلاع دادم و برای هر دو مثال‌ها زدم تا پندپذیری و راه و رسم زندگی بیاموزی (همان: نامه ۳۱، فراز ۴۹).

طبق این کلام، شناخت و آگاهی درباره دنیا و آخرت باعث عبرت‌آموزی است و این عبرت‌آموزی کسب آیین زندگی را برای انسان به ارمغان خواهد آورد.

۴.۹ تجربه‌اندوزی

یکی از راه‌های اطمینان‌بخش در کسب دانش و معرفت بهره‌مندی از تجربه و دستاوردهای دیگران است که انسان می‌تواند با صرف کم‌ترین هزینه و در سریع‌ترین زمان ممکن تجارب باارزش آنان را که طی سالیان طولانی و با صرف هزینه‌های هنگفت حاصل شده است به دست آورد. البته به شرط تفکر و دقت در زندگی‌شان و عبرت‌آموزی از سرنوشت‌شان. «من عرف العبرة فكأنما عاش في الأولين: هر که بشناسد عبرت را، پس گویا با گذشتگان زیسته است» (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۷۱).

۵.۹ حفاظت امور حال و آینده

«و لو اعتبرت بما مضى حفظت ما بقى: اگر از آنچه گذشته عبرت‌گیری، می‌توانی آنچه را باقی مانده حفظ کنی» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۴۹، فراز ۲).

از آن‌جا که قوانین ثابت و تخلف‌ناپذیری در عالم هستی جاری و ساری است، لذا حوادث تاریخی مشابهت دارند. پس اگر کسی از حوادث گذشته عبرت آموزد، در مواجهه با حوادث حال و آینده به‌درستی عمل می‌کند و می‌تواند همه سرمایه‌های مادی و معنوی خود را حفظ کند.

۶.۹ سعادت

«الاعتبار يقود إلى الرشد: عبرت‌گرفتن [آدمی را] به سوی رشد می‌کشانند» (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۷۲).

به طور کلی می‌توان گفت: آینده روشن، سعادت‌مندی، رشد و تعالی، ارمغان عبرت‌آموزی است. چنان‌که امام علی (ع) فرمود:

فَتَفَكَّرُوا أَيُّهَا النَّاسُ وَ تَبَصَّرُوا وَ اعْتَبَرُوا وَ اتَّعَظُوا وَ تَزَوَّدُوا لِلْآخِرَةِ تَسْعِدُوا: پس فکر کنید ای مردمان و عبرت بگیرید و پند گیرید و فرا گیرید توشه از برای آخرت تا سعادت‌مند شوید (همان: ۴۷۱).

پس کسی که عبرت را می‌آموزد، سعادت را درمی‌یابد. «و السعید من وعظ بغیره: و سعادت‌مند کسی است که از زندگی دیگران عبرت آموزد» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: خطبه ۸۶، فراز ۱۰).

۱۰. نتیجه‌گیری

عبرت‌آموزی یکی از روش‌های مهم تربیت اسلامی است. عبرت‌پذیری از وقایع گذشته و استفاده از نتایج و پیامدهای آن در زندگی روزمره، تعالی و بالندگی زندگی فردی و اجتماعی را به ارمغان خواهد آورد و مانع اتلاف نیروها و امکانات و باعث شکوفایی استعدادهای انسانی و بهره‌مندی هرچه بیش‌تر از سرمایه عمر می‌شود و درنهایت انسان را به سوی سعادت سوق می‌دهد.

از منابع تفکر در اسلام «تاریخ» است که منبع غنی معرفت و بستر پندها و عبرت‌هاست. تکرار قوانین تاریخ واقعی‌انکارناپذیر و حقیقتی روشن است. بنابراین، بی‌توجهی به تاریخ و تکرار مجدد اشتباهات گذشتگان، باعث هلاکت و سقوط می‌شود. درنتیجه پیروزی امروز و فردا در گرو عبرت‌آموزی از حوادث دیروز خواهد بود.

منابع عبرت بسیار فراوان است، که از مصادیق بارز آن می‌توان به تاریخ، تجربیات زندگی، مرگ، شگفتی‌های آفرینش و ... اشاره کرد و ابزارهای عبرت‌پذیری عبارت است از: عقلی با تدبیر، چشمی بینا، گوش‌شنوا، زبانی گویا، و دلی پاک و فراگیر. مهم‌ترین عوامل تحقق‌پذیرش عبرت، تفکر سالم، الگوهای صالح، و موعظه‌های بلیغ است و ازجمله موانع عبرت‌پذیری، طبق سخنان امام علی (ع)، می‌توان به غرور و خودخواهی و عشق‌های ناروا اشاره کرد. همچنین بهره‌های اخلاقی - تربیتی عبرت‌آموزی شامل، بصیرت، مصونیت از خطا، آیین زندگی، تجربه‌اندوزی، حفاظت امور حال و آینده، سعادت و ... است که مهم‌ترین آن‌ها بصیرت است و عبرت‌آموزی راهی است نیکو در جهت نیل به بصیرت که

بصیرت بازدارنده قوی از میل کردن به پستی‌ها و رذایل و زشتی‌هاست و عامل مهمی در رهایی از دام فتنه‌ها و شبهات و نور حق در تشخیص باطل است.

امیرمؤمنان علی (ع) با ارائه الگوهای صحیح و با تکیه بر اصل تعقل و تدبر در تاریخ زندگی پیشینیان و سیر و نظر در آثار برجامانده از آنان، همواره انسان‌ها را به تکرار تجارب تلخ گذشتگان هشدار می‌دهد و با موعظه‌های بلیغ خود فطرت آدمیان را بیدار می‌سازد و آنان را به پندپذیری و عبرت‌آموزی از گذشته، به منظور ساختن آینده‌ای روشن، رهنمون می‌شود. لذا بهره‌وری هرچه بیشتر از امکانات و استعدادهای انسانی و استفاده بهینه از سرمایه عمر و نیل به سعادت‌مندی، مستلزم عبرت‌آموزی است.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۷۳ ش). ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: دارالقرآن الکریم.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶ ق). تصنیف غررالحکم و درر الکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ابن ابی‌الحدید، عزالدین ابوحامد (۱۴۰۷ ق). شرح نهج‌البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالجیل.
- ابن ابی‌الفراس، ابی‌الحسین ورام (بی‌تا). تنبیه‌الخواطر و نزهة‌النواظر، قم: مکتبه الفقیه.
- ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین (شیخ صدوق) (۱۳۶۲ ش). الخصال، قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین (شیخ صدوق) (۱۴۰۴ ق). من لایحضر الفقیه، قم: جامعه مدرسین.
- ابن شعبه حرانی، علی بن حسین (۱۴۰۴ ق). تحف العقول عن آل الرسول، قم: جامعه مدرسین.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۸ ق). لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- امینی، ابراهیم (۱۳۷۴ ش). اسلام و تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- باقری، خسرو (۱۳۷۶ ش). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه.
- بحرانی، میثم بن علی بن میثم (۱۳۶۲ ش). شرح نهج‌البلاغه، بی‌جا: دفتر نشر الکتاب.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۷۵ ش). ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفری، یعقوب (۱۳۷۲ ش). بینش تاریخی نهج‌البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۵ ش). تفسیر موضوعی قرآن مجید، تهران: نشر فرهنگی رجاء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۸ ش). اسرار عبادات، تهران: الزهراء.
- حسنی، ابوالکرام محمود بن محمد (۱۳۸۱ ش). دقائق التأویل و حقائق التنزیل، تهران: میراث مکتوب.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹ ش). مزرع مهر، تهران: دریا.
- دیلمی، حسن بن ابی‌حسن محمد (۱۴۱۲ ق). ارشاد القلوب الی الصواب، قم: انتشارات شریف رضی.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۲ ش). *المفردات فی غریب القرآن*، بی‌جا: کتاب‌فروشی مرتضوی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۷ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۶۷ ش). *مجمع البحرین*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰ ش). *تفسیر عاملی*، تهران: صدوق.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ ق). *تفسیر نورالتقلین*، قم: اسماعیلیان.
- قائم‌ی، علی (۱۳۶۸ ش). *تربیت و بازسازی کودکان*، تهران: امیری.
- قربانی، زین‌العابدین (۱۳۷۴ ش). *اخلاق و تعلیم و تربیت اسلامی*، قم: انصاریان.
- قطب، محمد (۱۳۵۳ ش). *روش تربیتی اسلام*، ترجمه محمد مهدی جعفری، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۶۲ ش). *اصول کافی*، تهران: انتشارات اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳ ش). *بحار الانوار*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مدرس وحید، احمد (۱۳۵۹ ش). *شرح نهج البلاغه*، قم: انتشارات مدرس.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۰ ش). *پند جاوید*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۶ ش). *ده گفتار*، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹ ش). *سیری در نهج البلاغه*، تهران: صدرا.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ ق). *امالی مفید*، قم: جامعه مدرسین.
- میدد، ابوالفضل رشیدالدین (۱۳۷۱ ش). *کشف الاسرار و عاة الابرار*، تهران: امیرکبیر.
- نصری، عبدالله (۱۳۶۵ ش). *مبانی رسالت انبیا در قرآن*، تهران: جهاد دانشگاهی.
- نهج البلاغه* (۱۳۸۶ ش). ترجمه محمد دشتی، مشهد: سنبله.
- وائقی، ق (بی‌تا). *امام الگوی امت*، تهران: کتاب‌فروشی امیری.